گفت‌وگو با پرویز تناولی به مناسبت نمایشگاه «شاعر، قفل، قفس»

تاب تیشه فرهاد

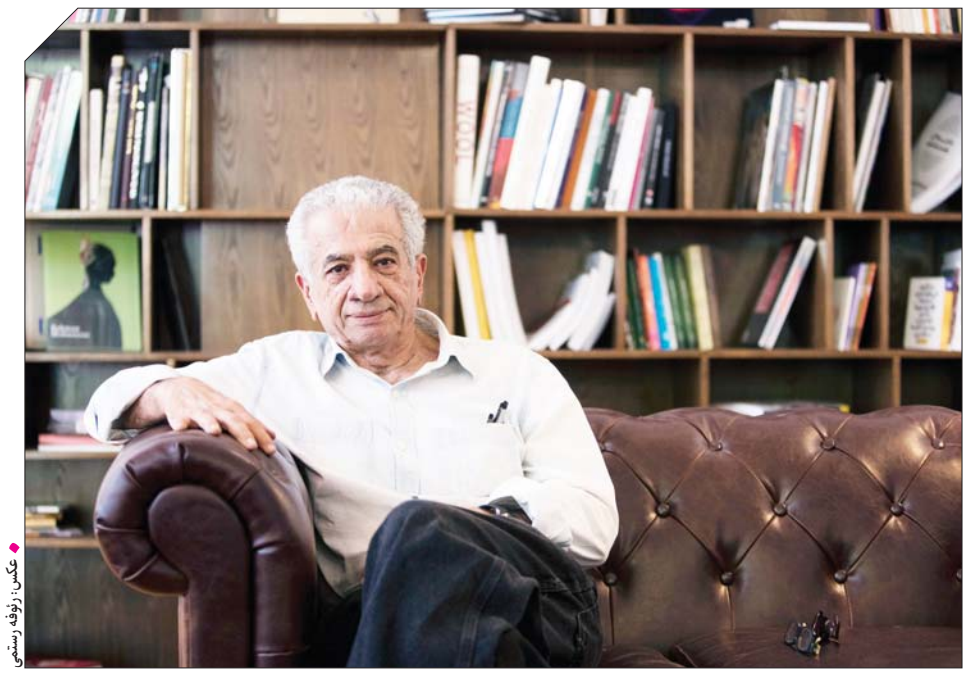

عکس: رؤفه رستمی

پرویز براتی: پرویز تناولی هزارپیشه‌ای چهل‌صنعت است. چه با مجسمه‌های برنزی و سرامیکی‌اش، چه با کتاب‌هایی که نوشته، چه با طرح‌هایی که برای فرش‌ها کشیده و چه با نقاشی‌هایش. همه این پیشه‌ها از او هنرمندی چندوجهی ساخته است. مجسمه‌ساز، نقاش، پژوهشگر و مجموعه‌داری است که در شش دهه فعالیت، رویکرد مشخصی را دنبال کرده و در تمامی آثار او یک عنصر مشترک به چشم می‌خورد: بازگشت به بن‌مایه‌های فرهنگی و بازآفرینی هنر کهن در قالبی مدرنیستی؛ به نحوی که هویت ایرانی بخش جدایی‌ناپذیری اثر باشد. این نگرش در دهه ۱۳۴۰ موجب شد تناولی در کنار حسین زنده‌رودی جزء پایه‌گذاران جنبشی باشد که کریم امامی نام «سقاخانه» را بر آن نهاد.

«پرویز تناولی: شاعر، قفل، قفس» عنوان نمایشگاهی بزرگ از آثار این هنرمند پیش‌کسوت ایرانیِ ساکن کاناداست که اول جولای (۱۰ تیر) در موزه هنر ونکوور گشایش یافته است. این نمایشگاه که با نمایشگاه‌گردانی پانته‌آ حقیقی برگزار شده، تا ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ (۲۸ آبان ۱۴۰۲) به تماشا خواهد بود. در این نمایشگاه بیش از صد اثر گرد هم آمده است که نمایانگر شش دهه فعالیت هنری این چهره درخشان و جریان‌سازِ هنر معاصر ایران است و گستره کامل فعالیت او را از مجسمه‌سازی و نقاشی تا چاپ و مجموعه رسانه‌های ترکیبی در بر می‌گیرد. با وجود دوران طولانی کار و خلق آثار متعدد، مجسمه‌های تناولی را می‌توان در چند گروه مشخص دسته‌بندی کرد: عُشاق، شاعر، هیچ، دیوارها، شیرها، پرندگان، دست‌ها و قفل‌ها. تناولی را «شاعر مجسمه‌ها» نامیده‌اند؛ چراکه در زمینه مجسمه‌سازی به معادل‌های بصری برای مضامین ادبی و داستان‌های غنایی و عاشقانه تاریخ ایران دست یافته است. روحیه جست‌وجوگر تناولی از همان جوانی سبب شد تا خیلی زود در کنار خلق آثار هنری، به کار گردآوری و پژوهش درباره هنرهای صناعی و عامیانه ایران نیز اهتمام ورزد و در این رهگذر با انواع هنرهای قدیمه و تکنیک‌های سنتی در کار صنایع‌دستی آشنا شد که بعدها در مجسمه‌هایش بازتاب یافتند.

فرهاد، شخصیت محوری آثار تناولی است. فرهاد به‌عنوان اولین مجسمه‌ساز ایران به کندن بیستون پرداخت، و عمل فرهاد، لرزه‌ای بود بر تن تناولی، که آن را به صورت انتزاعی‌ترین تکه تاریخ در خود احساس کرد. ایده اولیه مجموعه شاعر، وامدار شخصیت اسطوره‌ای فرهاد بود که در ادامه هنرمند به مفهوم کلی شاعر توجه کرد. شاعران تناولی با متریال و در ابعاد گوناگونی ساخته شده‌اند؛ گاه از سرامیک، گاهی از مس و آهن، گاهی از فایبرگلاس و زمانی از برنز. شاعران تناولی فرم ساده و تعریف‌شده‌ای ندارند و به کارهای مختلف مشغول‌اند که هویت آنها را مدام با معنایی نو بازتعریف می‌کند: گاهی آرام و ساکت ایستاده‌اند، زمانی در کنار دلداده خود، به هیئت عشاق درمی‌آیند؛ گاهی با پرنده ترکیب می‌شوند، بعضی اوقات در قفس دل می‌پیچند، گاهی کلید در دست می‌گیرند و زمانی هم خود کلید می‌شوند. گاهی نیز همچون دیواری یادمانی، خاطره عشق را در یک مکعب جای می‌دهند.

پرویز تناولی یکی از چهار چهره‌ای است که سال ۲۰۲۱ جایزه «تغییردهنده بازی هنر آسیا» را دریافت کرد. او افزون بر ۳۰ سال است که بین ونکوور و تهران در رفت و آمد است و در عین حال موزه او نیز در تهران، فعال و دایر است. گفت‌وگویمان را با او می‌خوانید.

◆ تمرکز این نمایشگاه بر «شاعر، قفل، قفس» است؛ درحالی‌که در دوران طولانی فعالیت شما، مجموعه‌هایی همچون هیچ‌ها، دیوارها، شیرها، پرندگان، دست‌ها و... هم وجود دارد. اما سؤال اینجاست: چرا شاعر را در کنار قفل و قفس قرار دادید؟

اگر می‌خواستیم از هر سری کار چند نمونه بگذاریم، به فضای بسیار فراخ‌تری نیاز بود. اگر یادتان باشد، نمایشگاه «پرویز تناولی و شیرهای ایران» که در سال ۲۰۱۷ در تهران برگزار شد، کل فضای موزه هنرهای معاصر تهران را اشغال کرد. در نمایشگاه فعلی با اینکه صد و خرده‌ای کار چیده شده، کل طبقه هم‌کف موزه را اشغال کرده است. ضمنا چیدمان‌های شلوغ مطلوب موزه‌ها نیست و گاه در روی یک دیوار بلند، تنها یک کار گذاشته می‌شود.

◆ مجموعه «شاعر»، خودنگاره (سلف‌پرتره) شماست. چقدر با این تعبیر موافقید؟

در متن کوتاه خود بر این نمایشگاه، نوشته‌ام که من دوست داشتم شاعر باشم، اما یک مجسمه‌ساز شدم. هرچند مجسمه‌های من نوعی شعر هستند و من شعرم را بر سطح مجسمه می‌نویسم. با این حال شخصیت شاعر به یک مفهوم کلی می‌پردازد و به فرد خاصی اشاره ندارد. شاعر، در این آثار می‌تواند مربوط به گذشته یا معاصر باشد؛ در واقع مجسمه‌هایی که اسمشان را شاعر می‌گذارم با توجه به زندگی، کاراکتر و روحیه شاعر ساخته شده‌اند. در این میان شخصیت‌هایی مانند فرهاد کوهکن که به نوعی او را نیز شاعر می‌دانم وجود دارند. فرهاد، یک حقیقت تاریخی است که من به آن پیوسته‌ام. این پیوستگی یعنی علاقه‌داشتن؛ و اگر نه می‌شد گسست.

◆ شما را «شاعر مجسمه‌ها» لقب داده‌اند. چقدر این تعبیر را درباره خودتان دقیق می‌دانید؟

شاید این ناشی از علاقه‌ام به شعر باشد. از دیرباز و شاید از همان اول کارم شعر و شاعر را مبنای کارم قرار دادم.

عشق ویژه‌ای که به فرهاد داشتم، یکی از دلایل این کار بود. مسئله اصلی، تبدیل وجود به معناست، با وجودآنکه از فرهاد مجسمه‌ای باقی نمانده بود؛ اما من او را بزرگ‌ترین مجسمه‌ساز می‌دانستم. او دانسته یا ندانسته عمرش را صرف ساخت «عبث» کرد.

◆ چیزی را که نظامی در خیالش از گنجه یا فردوسی از توس انتظار داشتند و در خیال پرورانده بودند، شما در بیستون پیدا کردید...

پیش از این گفته‌ام که خود را از دودمان فرهاد می‌دانم و او را قهرمان ایدئال‌های خویش. او مجسمه‌ساز آرمانیِ من بود. افسانه‌هایی که در مورد قدرت و مهارت او در سنگ‌تراشی روایت می‌شود، خود کافی است تا از میراث او الهام بگیریم. دویست مترمکعب کوهی که فرهاد در بیستون کند تبدیل به معنا شد و از این معنا به شعر ایران ثروت داده است.

◆ قفل‌ها در آثار شما بر پیکر فرهاد، شاعر، بلبل، قفس و حتی هیچ‌های اندام‌وار زده شده‌اند. گاهی نیز دیوار را از بالا و پایین محصور کرده‌اند. از نگره‌ای عرفانی می‌توانند نمادی از بسته‌شدن و به عزلت نشستن باشند. اما از نگاهی سیاسی اجتماعی، می‌توانند اشاره‌ای داشته باشند به محروم‌کردن سوژه از عشق و آزادی. اصولا تا چه حد با خوانش عرفانیِ آثار خود موافقید؟

نمی‌دانم چرا به دیوار قفل می‌زدم یا به شاعر، زمانی که آنها را می‌ساختم. برای خود تصوری داشتم و حالا نمی‌توانم به راحتی بیان کنم.

◆ بپردازیم به نمایشگاه «شاعر، قفل، قفس» و چگونگی شکل‌گرفتن آن...

بعد از ۳۴ سال اقامت در ونکوور بالاخره به سراغم آمدند! رئیس جدید موزه هنر ونکوور آنتونی کیندل، چندی پس از استقرار اعلام کرد اولین برنامه کاری‌اش برپایی نمایشگاهی برای من است. ایشان به منزلمان آمد و از تأخیر طولانی در برگزاری نمایشگاهی از آثارم، با تعجب یاد کرد و گفت تصمیم دارد نمایشگاهی که بیشتر، کارهای اولیه‌ام را در بر بگیرد بگذارد. کارهای اولیه من بیشتر حول فرهاد کوهکن بود؛ اما چون کسی او را در آمریکا نمی‌شناخت، از واژه «شاعر» استفاده کردم. در آن زمان که به قفل علاقه زیادی داشتم و هر روز و در هر فرصتی در اطراف امامزاده‌ها و بازارها در پی قفل بودم و در مجموعه قفل‌هایم به هر دری می‌زدم و سینه شاعرانی که می‌ساختم چون قفس بود به آنها قفلی و کلیدی یا چند قفل می‌زدم.

به هر حال این‌چنین بود که نمایشگاه «شاعر، قفل و قفس» شکل گرفت.

رئیس جدید موزه تصمیم به قرض‌گرفتن این کارها از موزه‌های مختلف گرفت که اغلب از جنس برنز یا سرامیک هستند. ایشان محبت کرد و بودجه هنگفت آن را نیز تأمین کرد. نکته دیگری که باید عرض کنم این است که اقلیت ایرانی شهر ونکوور بالغ بر ۵۰ هزار نفر می‌شود. بنر بزرگی که از من در حال کار در کارگاهم گذاشته شده در اصلی‌ترین مرکز شهر ونکوور نصب شده است. همه آن را می‌بینند و باعث خوشحالی و سرافرازی آنهاست. هنوز چندروزی از نصب این بنر نگذشته که تعداد زیادی با خانم و بچه‌هایم تماس گرفته و اظهار خشنودی کرده‌اند.

◆ بازخوردها و نگاه‌ها به این نمایشگاه چگونه بوده است؟

غیرقابل باور بود و تاکنون چنین افتتاحیه‌ای دیده نشده بود. خوشحالی من بیشتر از آن جهت است که اقلیت ایرانیِ مستقر در ونکوور را خوشحال و سربلند خواهد کرد. گفتم که جمعیت ایرانیانِ مستقر در ونکوور به ۵۰ هزار نفر می‌رسد. در میان این جمعیت، دولتمردانِ بافرهنگ کم نیستند. برخی از آنها مؤسسات موفقی دارند. در اینجا لازم می‌دانم بگویم که بیشترین رقم از هزینه‌های نمایشگاه را آقای حسن خسروشاهی و همسر گرامی‌شان سرکار خانم نزهت خسروشاهی (دختر مرحوم محمدرحیم ایروانی، بنیان‌گذار کفش ملی و از بزرگ‌ترین کارآفرین‌های ایران) تأمین کردند که جا دارد از آنها تشکر کنم. نام دیگر مؤسسات و بنیادها نیز در خبرنامه نمایشگاه آمده است. از همگی این عزیزان نیز سپاسگزارم.

اخبار

علی‌محمد اشکبوس دوبلور، درگذشت

علی‌محمد اشکبوس، دوبلور پیش‌کسوت کشورمان، فعالیت خود را در حرفه گویندگی از سال ۱۳۴۰ و در ۱۸سالگی آغاز کرد. او علاوه بر کار دوبله و گویندگی در نگارش دیالوگ‌ها نیز دستیار مدیران دوبلاژ بود. از صداپیشگی‌های اشکبوس می‌توان به سریال «مدار صفر درجه» و انیمیشن‌های «هاج زنبور عسل» و «فوتبالیست‌ها» اشاره کرد.

ایمن‌سازی تالار هنر کلید خورد

ایسنا: سال گذشته برای ایمن‌سازی تالار هنر که تنها سالن اختصاصی اجرای نمایش‌های کودک و نوجوان اداره کل هنرهای نمایشی است، توسط مدیر وقت اقدام شد و فاز اجرائی آن از تیر ۱۴۰۲ آغاز شد.

محسن امیری، مدیر تالار هنر، درباره برنامه ایمن‌سازی توضیح داد: «ابتدا و به غلط جا افتاده بود که قرار است بازسازی صورت بگیرد؛ در حالی که بازسازی در کار نبود. تالار هنر قرار است ایمن‌سازی شود که به نظر از بازسازی هم مهم‌تر است».

او تصریح کرد: «ما در قبال خانواده‌ها و بچه‌هایی که به تالار می‌آیند مسئول هستیم و با پیگیری شبانه‌روزی از امروز ایمن‌سازی تالار هنر شروع شد».

او درباره مدت‌زمان برنامه ایمن‌سازی افزود: «طبق برآورد گروه طرح‌های عمرانی وزارت ارشاد این پروسه دو ماه طول خواهد کشید و در این مدت تالار هنر به سیستم اطفا و اعلام حریق مجهز خواهد شد که مدت‌ها پیگیر آن بودیم و سرانجام با پیگیری‌های یک‌ماهه اخیر به انجام رسید».

امیری درباره فعالیت‌های تالار هنر در این مدت گفت: «به دلیل در اختیار قراردادن تمام فضاهای ساختمان تالار به گروه عمرانی، امکان هیچ‌گونه فعالیت اجرائی نخواهیم داشت ولی از این فرصت استفاده می‌کنیم و به رایزنی‌های خود در جهت ارتباط بیشتر و مؤثر با شرکت‌ها و سازمان‌ها و ادارات خواهیم پرداخت و در این راستا از تمام ظرفیت‌های نیروی انسانی تالار هنر بهره خواهیم برد».

تالار هنر در مجاورت ورزشگاه شهید شیرودی، یکی از قدیمی‌ترین سالن‌های نمایشی تهران است که مدت‌هاست به اجرای نمایش‌های کودک اختصاص پیدا کرده است.

این تالار پیش از این هم در چند مقطع زمانی گوناگون بازسازی شد.

هالیوود در خاموشی

مهر: انجمن بازیگران آمریکا (SAG-AFTRA) اعلام کرد که در برابر استودیوهای فیلم و تلویزیون اعتصاب خود را شروع کرده و برای دومین بار در تاریخ هالیوود به نویسندگان در صف اعتصاب می‌پیوندد. دانکن کرابتری-ایرلند، مذاکره‌کننده ارشد این انجمن در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: کمیته رهبری انجمن صبح پنجشنبه با برگزاری جلسه به اتفاق آرا به تصویب پیشنهاد اعتصاب که توسط کمیته مذاکره مطرح شد، رأی داد. او افزود: اعضای انجمن باید از کار خود تا زمانی که یک قرارداد منصفانه به دست آید، خودداری کنند. آنها هیچ راه جایگزینی برای ما باقی نگذاشتند. اعتصاب از صبح جمعه آغاز می‌شود. بر اساس این دستورالعمل، اعضای انجمن بازیگران تا زمانی که اعتصاب در حال اجراست، نمی‌توانند در فرش قرمز اولین اکران‌ها، در مصاحبه برای معرفی کارهای تکمیل‌شده و در مراسم جوایز شرکت کنند یا در جشنواره‌های فیلم حضور یابند و حتی به معرفی پروژه‌ها در رسانه‌های اجتماعی بپردازند. فران درشر رئیس انجمن بازیگران در کنفرانس مطبوعاتی روز پنجشنبه گفت: ما قربانی یک مجموعه بسیار حریص هستیم. به همین دلیل در جایی باید بایستیم و بگوییم نه، ما دیگر نیستیم. مگر دیوانه هستید؟ این چه کاری است که می‌کنید؟ چرا این رفتار را انجام می‌دهید؟ او در سخنان پرشور خود استدلال کرد که استریمینگ و هوش مصنوعی مدل صنعت سرگرمی را تغییر داده ولی تغییری در قراردادهای بازیگران ایجاد نشده است. او افزود: اگر اکنون نایستیم همه در خطر خواهیم بود. شما نمی‌توانید روش‌های درآمدزایی را تغییر دهید و انتظار نداشته باشید که قراردادهای ما تغییر نکند. من نمی‌توانم باور کنم استودیوها ادعای فقر می‌کنند و صدها میلیون دلار به مدیران اجرائی خود می‌دهند، شرم بر آنها. قرارداد انجمن بازیگران نیمه‌شب چهارشنبه - پس از آنکه یک بار تا ۱۲ جولای تمدید شد- به پایان رسید و یک ماه مذاکره دستاورد قابل توجهی نداشت. از سوی دیگر کمیته اتحاد تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون استدلال می‌کند قراردادی را ارائه کرده که میزان قابل توجهی از نظر بازنشستگی و سلامتی بالاتر است و از تست بازیگری و سریال کوتاه‌تر حمایت می‌کند و پیشنهاد جدیدی برای استفاده پیشگامانه از هوش مصنوعی مطرح می‌کند. این کمیته در بیانیه‌ای گفت: اعتصاب قطعا نتیجه‌ای نیست که ما به آن امیدوار بودیم، زیرا استودیوها نمی‌توانند بدون بازیگران و مجریانی که برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های ما را زنده می‌کنند، فعالیت کنند. به این ترتیب تمام تولیدات تحت قرارداد تلویزیون و فیلم با حضور بازیگران عضو انجمن بازیگران فوری متوقف می‌شود و پروژه‌های این بازیگران چه در آمریکا چه در سراسر جهان متوقف می‌شود. این اعتصاب اولین اعتصاب بازیگران از سال ۱۹۸۰ است. تنها «اعتصاب مضاعف» قبلی که شامل بازیگران و نویسندگان می‌شد سال ۱۹۶۰ رخ داد، زمانی که انجمن بازیگران فیلم توسط رونالد ریگان رهبری می‌شد. در آن اعتصاب، هم نویسندگان و هم بازیگران با مسائل ناشی از طلوع تلویزیون دست‌به‌گریبان بودند و توانستند برای پخش مجدد در تلویزیون و پخش فیلم از تلویزیون امتیازهایی به دست آوردند و اولین طرح بازنشستگی و رفاهی را ایجاد کردند. این بار هر دو اتحادیه در حال مبارزه برای استفاده از افزایش درآمد حاصل از پخش تلویزیونی هستند که به گفته آنها دستمزدها را افزایش نمی‌دهد و حفظ این حرفه را برای افراد طبقه متوسط دشوار کرده است. هر دو اتحادیه همچنین هوش مصنوعی را از موضوع‌های اصلی می‌دانند و نگرانند استودیوها آن را جایگزین کنند تا بی‌ارزش‌ترکردن بیشتر کارشان را نشان دهند.

محمدعلی باشه‌آهنگر:

هر فیلم‌ساز یک لحن منحصربه‌فرد دارد

سومین جلسه کارگاه انتقال تجربه فیلم‌سازی با حضور «محمدعلی باشه‌آهنگر» نویسنده و کارگردان سینما برای اعضای باشگاه مخاطبان موزه سینما برگزار شد.

محمدعلی باشه‌آهنگر با بیان اینکه شروع فیلم می‌تواند از جزء به کل یا از کل به جزء باشد، گفت: «کارگردان تصمیم می‌گیرد که زاویه دید از کل به جزء یا برعکس باشد اما به هر شکلی که بخواهد کار کند باید بدیهی‌ترین اتفاقات را رعایت کند و خوراک کامل برای تدوینگرش مهیا کند و این شیوه از ایده، طرح و فیلم‌نامه در ذهنش شکل گرفته باشد.

او افزود: «یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در سینمای ما کمتر به آن توجه می‌شود، فضاسازی است و جغرافیای فیلم نیز بخشی از این فضاسازی است. باید توجه داشت که ارتباط جغرافیا با قصه و شخصیت‌های آن بسیار مهم است. باید فکر کنیم که این جغرافیا را باید تصویری کنیم و تمام این اجزا در انتها تا چه اندازه می‌تواند در انتقال مفهوم و داستان بر کار ما اثر بگذارد؛ اگر به این موارد فکر کنیم انتخاب بهتری خواهیم داشت و اگر فیلم‌ساز مؤلف باشد، این موارد برایش مهم است و از قبل به آن می‌اندیشد».

کارگردان فیلم سینمایی «ملکه» با اشاره به موضوع جغرافیا در فیلم‌سازی گفت: «جغرافیای یک فیلم باید به مخاطب معرفی شود و معمولا یک بار نشان‌دادن این جغرافیا در فیلم کفایت می‌کند. مگر در دفعات بعد درام را یک پله به پیش ببرد وگرنه اضافه است. معرفی جغرافیا در تعریف شخصیت و پیشبرد داستان نیز تأثیرگذار است و به همین دلیل بار اصلی بر دوش نوع برش فنی و دکوپاژ و نوع تصویرسازی فیلم‌ساز خواهد بود. در هر دکوپاژی باید جغرافیا را به خوبی معرفی کنید و توجه داشته باشید که جغرافیای مورد نظر، آرام‌آرام در ذهن تماشاگر تصویر می‌شود و نقش می‌بندد. به جرئت می‌توان گفت فضاسازی یکی از دشوارترین بخش‌های کارگردانی است».

او با بیان اینکه باورپذیربودن جغرافیا به باورپذیربودن داستان کمک می‌کند، بیان کرد: «اگر کارگردان فکر می‌کند که جزئیات جغرافیا تأثیری در قصه دارد، باید روی آن متمرکز شود و تأثیر آن باید در داستان دیده شود. در غیر این صورت آن فضاسازی‌ها تأثیر درستی در کل داستان نخواهد داشت و به بیانی در فهم داستان برای بیننده

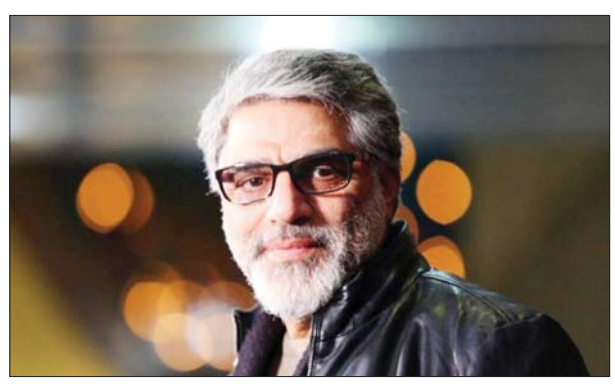

خلل ایجاد می‌کند. به همین دلیل است که فیلم سینمایی «غلاف تمام‌فلزی» استنلی کوبریک با فیلم‌های هم‌نسلانش تفاوت دارد، زیرا به تمام جزئیات آن منطقه جغرافیایی توجه می‌کند و فضایی باورپذیر برای تماشاگر می‌سازد».

کارگردان فیلم سینمایی «سرو زیر آب» با اشاره به اهمیت نماها در فیلم نیز گفت: «اولین کاری که یک کارگردان باید انجام دهد توضیح‌دادن روان و ساده صحنه برای عوامل فیلم است و تعیین می‌کند که چه اندازه نمایی و با چه حرکتی در صحنه مورد نظر باید اجرا شود. همه پلان‌های سینما مشتقاتی از نمای دور، نمای متوسط و نمای نزدیک است و به عنوان فیلم‌ساز باید از خود بپرسیم قرار است چه نمایی داشته باشیم و چرا؟ فیلم‌ساز برای انتخاب پلان آزاد است اما پاسخش حداقل برای خودش باید مشخص باشد».

باشه‌آهنگر با بیان اینکه فیلم باید تابع یک ریتم مناسب باشد، افزود: «هر فیلم‌ساز یک لحن منحصربه‌فرد دارد که مانند یک اثر انگشت است. کند یا تندبودن ریتم از فیلم‌نامه شروع می‌شود و آرام‌آرام به فیلم‌برداری می‌رسد و نوع نورپردازی، میزان سایه و روشن، اندازه‌نماها و به‌طورکلی تقطیع نماها، طراحی صحنه، تدوین، موسیقی و جلوه‌های ویژه ادامه می‌یابد».

او با بیان اینکه نوع لنز نیز یکی از عوامل مهم ایجاد ریتم در فیلم است، ادامه داد: «اینکه در فیلم از چه لنزی استفاده می‌کنیم مهم است. گاهی هم روز و شب بودن سکانس‌ها روی ریتم تأثیر می‌گذارند، مثلا در فیلم «متروپل» اکثر سکانس‌ها شب و داخلی بودند و بعد از مدت‌زمانی احساس کردم باید برخی سکانس‌ها را تبدیل به روز کنم تا فضا را تغییر دهم و ریتم فیلم را منطقی‌تر کنم و نکته مهم‌تر این است که نوع بازی و لحن بازیگر نیز در ریتم تأثیر می‌گذارد. مثلا بازیگر باید بتواند در سکوت، حالت‌ها و احساس‌های مختلف را انتقال دهد و نوع انتقال و احساس هر بازیگر با دیگری تفاوت دارد».

باشه‌آهنگر یادآور شد: «برخی از بازیگران مانند مهتاب نصیرپور و شبنم مقدمی خود را در فیلم «فرزند خاک» و نقش‌هایشان غرق می‌کنند. یادم می‌آید مهتاب نصیرپور از همان روز اول که پوتین نقش خود را پوشید تا پایان فیلم‌برداری به پا داشت و برای نزدیک‌ترشدن به نقش خود آن مدت را مانند کُردها زندگی کرد. آن زمان اجازه دادیم آفتاب‌سوختگی واقعی روی صورت بازیگران ایجاد شود تا واقعی‌تر به نظر برسد؛ من برای این ریزه‌کاری‌ها ارزش زیادی قائلم و برای آن می‌جنگم».

او با اشاره به تدوین و جلوه‌های ویژه به عنوان یکی دیگر از موارد مؤثر در ریتم نیز گفت: «هر چیزی که چشم ملزم است آن را ببیند بر ریتم فیلم تأثیر می‌گذارد. فیلم‌ساز باید از خود بپرسد نمای دوری که می‌خواهد استفاده کند چه عناصر تصویری را منتقل می‌کند. مدت زمان این انتقال همان مدت‌زمان نما خواهد بود که البته در مرحله تدوین نهایی می‌شود و این موضوع با سبک فیلم‌ساز و نگارش فیلم‌نامه نیز ارتباط مستقیم دارد».

باشه‌آهنگر با بیان اینکه موسیقی یکی دیگر از موارد مؤثر در ریتم است، بیان داشت: «موسیقی حس‌هایی را به فیلم اضافه می‌کند که در ریتم بسیار تأثیرگذار است. گاهی یک موسیقی نامناسب حس‌هایی منتقل می‌کند که فیلم را زمین می‌زند و ریتم و احساس اصلی فیلم شما را تغییر می‌دهد».

در انتهای این کارگاه سه‌ساعته هنرجویان با کمک «محمدعلی باشه‌آهنگر» کارگردانی و فیلم‌برداری را به صورت مختصر تمرین کردند.